

## بررسی نابسامانی‌های ترجمه قرآن

خدیدجه حلیمی<sup>۱</sup>، نفیسه امیری دوماری<sup>۲</sup>

### چکیده

در دهه‌های اخیر توجه گسترده به ترجمه قرآن، گسترش سریع و وسیع رویکردهای منتقدانه به ترجمه‌های قرآن را نیز به دنبال داشته است. این امر ازسویی نشانگر گام‌های بلند مترجمان در راه گسترش فرهنگ قرآنی است و از دیگرسو نیاز به ادامه این حرکت انتقادی تا رسیدن به نقطه مطلوب را می‌رساند. در این مسیر نگاه آسیب‌شناسانه‌ای لازم است تا بتوان نابسامانی‌های ترجمه‌های موجود قرآن را کشف و اصول و قواعدی را برای افزایش قوت و غنای ترجمه‌ها تدوین کرد تا در پرتو آنها بتوان هرچه بیشتر به فهم مراد شارع مقدس نزدیک شد. در مقاله حاضر که به روش تحلیلی-بنیادی تدوین شده است، می‌توان به نابسامانی‌هایی که برخی از ترجمه‌های قرآن را دچار چالش جدی کرده است مانند تأثیر پیش‌فرض‌های مترجم بر ترجمه قرآن، اشکالات ادبی و بلاغی، اشکالات ساختاری، حذف و اضافه نابجا در ترجمه آیات، آسیب‌های ویرایشی و استعمال واژگان و تعابیر نامأنوس اشاره کرد. در مقاله حاضر تحلیل مصادیقی از این نابسامانی‌ها با توجه به برخی ترجمه‌های قرآن، بهترین راه برای محفوظ ماندن از آسیب‌های فوق ترجمه تاریخی قرآن و دقت در بافت و سیاق آیات و آیات متحدالموضوع معرفی شده است.

**واژگان کلیدی:** آیات متحدالموضوع، ترجمه قرآن، نابسامانی‌های ترجمه،

مترجمان قرآن.

---

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد علوم حدیث از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.  
Email: khadijeh.halimi@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.  
Email: nafise.amiri@yahoo.com

## ۱. مقدمه

ترجمه قرآن به فارسی از هر زبانی زودتر آغاز شد و بیشتر محصول داشته است. غیر از عهد سلمان و پیشگامی او در ترجمه فارسی از قرن سوم تا امروز که ربع اول قرن پانزدهم هجری است هزار ترجمه از قرآن به فارسی وجود دارد که در کتابخانه‌های بزرگی مانند کتابخانه هزارساله آستان قدس رضوی، کتابخانه آستان حضرت معصومه علیها السلام و کتابخانه‌های هند و پاکستان موجود و محفوظ است. (بینات، ۱۳۷۵) تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسی را براساس روایات و شواهد می‌توان به عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داد. یکی از شواهد ارائه شده بر این مدعا را می‌توان چنین بیان کرد: «ابوالمظفر اسفراینی (م ۴۷۱ق) در تفسیر تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم می‌نویسد: سلمان فارسی از مصطفی صلی الله علیه و آله دستوری خواست تا قرآن را به پارسی به قوم خویش نویسد. وی را دستوری داد چنین گفتند که وی قرآن بنبشت و پارسی آن اندر زیر آن بنبشت، آنگاه به آخر آن بنبشت: «هذا القرآن الذی انزل علی محمد» (ایازی، ۱۳۸۰).

نخستین ترجمه مکتوب، ترجمه معروف به تفسیر طبری است که به احتمال قوی قدیمی‌ترین ترجمه موجود قرآن است هرچند برخی احتمال داده‌اند ترجمه‌های دیگری مانند نسخه موجود در دانشگاه کمبریج، ترجمه سوراآبادی، تاج التراجم اسفراینی هم‌زمان یا قدیمی‌تر از ترجمه طبری باشد، ولی محققان، ترجمه تفسیر طبری را نخستین ترجمه کامل قرآن می‌دانند که باقی مانده است. (آذرنوش، ۱۳۷۵) درست است که ترجمه قرآن به زبان فارسی پیشینه‌ای هزاروپنجاه ساله دارد و مترجمان در هر عصر و دوره‌ای تلاش می‌کنند تا این وظیفه را با دقتی تمام انجام دهند، اما این مطلب هرگز به معنای بی‌غلط بودن و صحت کامل ترجمه‌های آنها نیست. با جست‌وجو در آثار عالمان و مترجمان پیشین می‌توان دریافت که آنها هرگز درصدد نقد جدی و علمی ترجمه‌های پیش از خود و بر ملا کردن نقایص ترجمه‌های قبل برنیامدند برخلاف ترجمه‌های معاصر که بسیاری از آنها هنوز چندماهی از تاریخ نشرشان نگذشته با نقد و گاه نقدهای متعددی مواجه می‌شوند تا جایی که کمتر ترجمه‌ای از ترجمه‌های فارسی دهه اخیر را می‌توان یافت که زیر ذره‌بین موشکافانه ناقدان معاصر قرار نگرفته باشد (حجت، ۱۳۷۸).



اولین مقاله‌ای که در مطبوعات ایران به نقد یکی از ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی پرداخته نقدی است که استاد شهید مرتضی مطهری در اردیبهشت ۱۳۳۷ در مجله یغما به ترجمه ابوالقاسم پاینده نوشته است. متأسفانه این نقد عالمانه کوتاه ادامه پیدا نکرد. بعد از ایشان آقای فرزاد بر ترجمه آقای پاینده نقدی مستقل ارائه کرده که در هفت قسمت در مجله یغما (سال ۱۳۳۷-۱۳۳۸) چاپ شد و غلامرضا طاهر در سال ۱۳۴۰ بر همین مترجم نقدی نوشت. پس از این مقاله‌ها یعنی، بعد از سال‌های ۱۳۴۰ نقد ترجمه با رکودی ۱۸ ساله مواجه شد و بعد از فترت ۱۸ ساله در سال ۱۳۵۹ نقدی بر ترجمه شهرام هدایت چاپ شد. پس از این سال‌ها نقد ترجمه روند خود را یافت. تا سال ۱۳۷۵ این روند ادامه یافت و با چاپ ۲۳ مقاله در نقد و جواب نقد به نقطه اوج خود رسید؛ روندی که پس از آن با سیر نزول مواجه شد. (حجت، ۱۳۷۹)

## ۲. معرفی برخی از آثار تألیف شده در زمینه نقد

عیار نقد بر ترجمان وحی نوشته آقای حجت در سال ۱۳۷۹ که شامل معنای لغوی و اصطلاحی ترجمه، تاریخچه ترجمه قرآن به زبان فارسی، معرفی نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم (ترجمه آقایان امامی، پورجوادی، مکارم و دیگران) معنای لغوی و اصطلاحی نقد، فهرست مقالات نقد و معرفی ترجمه‌هاست؛

اهتمام ایرانیان به قرآن نوشته آقای ایازی در سال ۱۳۸۰ شامل بحث‌های زیادی است شامل: بحث‌های تاریخ نگارش ترجمه به زبان فارسی، معنای لغوی و اصطلاحی ترجمه، روش‌های ترجمه، سیر نگارش ترجمه قرآن به زبان فارسی و معرفی ترجمه‌های آقایان امامی، پورجوادی و مکارم شیرازی است؛

ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازی نقد از آقای کوشا به سال ۱۳۸۲ تنها به نقد ترجمه آقای امامی از ترجمه‌های مورد نظر در این تحقیق پرداخته و ایرادات لغوی و نحوی این مترجم را آورده است؛

تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی) نوشته آذرتاش آذرنوش که به تاریخچه ترجمه‌های قرآن پرداخته و تفسیر طبری را نخستین ترجمه‌های مکتوب معرفی کرده است.

همچنین تاریخچه ترجمه قرآن را به طور رسمی از سال‌های ورود اسلام به سرزمین عرب می‌داند و اولین مترجم را سلمان معرفی می‌کند؛

تاریخ قرآن نوشته آیت‌الله محمدهادی معرفت. در این کتاب در فصل ششم به ترجمه قرآن پرداخته که شامل تعریف ترجمه، شیوه ترجمه، سه ویژگی قرآن، اهمیت ترجمه قرآن، دلایل مخالفان با ترجمه قرآن، فتاوی‌علماء، فتوای کاشف‌الغطاء، رأی آیت‌الله خوبی، سابقه ترجمه در اسلام، بررسی ترجمه‌های قرآن، شرایط مترجم و ترجمه و ترجمه قرآن به زبان‌های است؛

اصول و مبانی ترجمه قرآن همراه با نقد ترجمه حزب اول قرآن کریم از ۵ مترجم نوشته علی نجار شامل کلیات در مورد ترجمه و مشتقات و ریشه‌یابی واژه ترجمه، تحلیل و ارزیابی نظرات لغویین درباره واژه ترجمه، تعریف اصطلاحی ترجمه، مفاهیم ترجمه، ادله موافقین ترجمه، فقهای شیعه و ترجمه قرآن، پیشینه ترجمه قرآن در اسلام، بررسی شیوه‌های ترجمه، شرایط ترجمه، مترجم و شرایط ترجمه از دیدگاه آیت‌الله خوبی، ترجمه قرآن و پیش‌نیازهای آن و نقد و بررسی پنج ترجمه از آقایان قمشه‌ای، مکارم، ابوالفتوح رازی، پورجوادی و میبیدی از حزب اول می‌پردازد؛

- دانشنامه قرآن اثر بهاء‌الدین خرمشاهی و باکوشش ابوالقاسم رادفر در بخش ترجمه به معرفی ترجمه‌های مورد نظر در دو جلد این اثر می‌پردازد. آقای امامی و ترجمه ایشان و ترجمه آقای پورجوادی در جلد اول معرفی شده و آقای صادقی تهرانی و مکارم و ترجمه‌اش و آقای موسوی گرمارودی در جلد دوم معرفی شده‌اند.

هیچ‌یک از این آثار به صورت جداگانه، نابسامانی‌های ترجمه‌های قرآن و ارائه اصول و قواعدی برای تشخیص صحت ترجمه‌های قرآن را بررسی نکرده است. پژوهش حاضر عهده‌دار بیان نابسامانی‌ها و آسیب‌هایی است که منتقدان به ترجمه‌های قرآن به آن توجهی نداشته‌اند یا کم توجه بوده‌اند از جمله: نقش بیش فرض‌های مترجمان و تأثیر آن بر ترجمه‌های قرآن و ...



## ۳. مفهوم‌شناسی

## ۳-۱. تعریف لغوی ترجمه

معنای نخستین و اصلی ترجمه، تفسیر و شرح است. علاوه بر این تا اواخر سده دوم هجری، زبان عربی، الفاظ ترجمان، ترجمه و مشتقات آنها را به معنای امروزی نمی‌شناخته و به جای آن کلمات نقل و تحویل و یا اصطلاحات عام‌تری به کار برده است. این دسته بر این باور هستند که ترجمه ریشه و ماده غیرعربی دارد. (آذرنوش، ۱۳۷۵) برخی این کلمه را از "argmono" آرامی و یا از رجم کلدانی به معنای افکندن می‌دانند (رامیار، ۱۳۶۹). برخی گفته‌اند: «اصل و ریشه لغت ترجمه از ترجمان است». آنها می‌گویند: «تازیان این کلمه را ترزبان فارسی گرفته‌اند که ترزبان در زبان فارسی به معنای خوش‌سخن آمده و کسی است که سخن‌های خوب و تازه می‌گوید» (حجت، ۱۳۷۹). اگر ترجمه از ریشه ترجم رباعی گرفته شده باشد از باب فعلن، ارباب معاجم دیدگاه‌های گوناگونی درباره ریشه واژه ترجمه ارائه کرده‌اند. برخی ریشه آن را عربی می‌دانند. این گروه سه دسته هستند: الف) برخی مانند فیومی، ترجمه را از ترجم که چهارحرفی است، می‌دانند. در المعجم الوسیط نیز این نظر آمده است؛ ب) جمعی مانند ابن منظور ترجمان را هم در ماده رجم و هم در ماده ترجم آورده‌اند و نیز در کتاب منتهی الارب به همین روش آمده است؛ ج) راغب آن را از ماده رجم می‌داند و می‌گوید: «واژه رجم یعنی، سنگ انداختن. به طور استعاره درباره گمان بد بردن به کسی یا توهم، پندار یا ناسزاگویی و طردکردن به کار رفته است» (اصفهانی، ۱۳۷۲).



برخی به این نکته اشاره می‌کنند که کلمه ترجمه و مشتقات آن در قاموس‌های کهن مانند العین خلیل ابن احمد فراهیدی، جمهوره ابن درید و یا تذهیب ازهری نیامده و ریشه عربی رجم در آنها با ترجمه ارتباطی ندارد و در قاموس‌های الله به‌شمار می‌رود و تاء آن دیگر زاید نیست. ترجم الکلام یعنی، سخن را روشن و آشکار کرد. (حجت، ۱۳۷۹) اگر ترجمه از ریشه رجم عربی باشد باید گفت که معانی گوناگونی مانند قتل، قذف، عیب، گمان، سنگ پراندن دارد. برخی از این معانی با معنای متداول ترجمه مرتبط است مانند آیه «رَجْمًا بِالْغَيْبِ؛ تیر در هر تاریکی

می‌اندازند» (کهف: ۲۲). تناسب آن با ترجمه مصطلح شاید آن باشد که گفتاری است آمیخته با گمان، اما تناسب معنای رجم که سنگ‌پرانی است شاید از این نظر باشد که پرتاب سنگ مانند ترجمه القاء‌کننده پیام غضب، تنفر، اخطار یا سایر مفاهیم قراردادی از شخصی به شخصی و یا از قومی به قوم دیگر است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷). ابن منظور و سایر فرهنگ‌نویسان در ماده ترجم می‌نویسند: «الترجمان یعنی، تفسیرکننده لسان» (ابن منظور، ۶۶/۱۳). طبری و زمخشری ترجمه را به منظور بیان و تفسیر به کار برده‌اند (نجار، ۱۳۸۱). ترجمه مصطلح نیز از آن نظر که پیام و مراد گوینده یا نویسنده را برای اهل زبان روشن و آشکار می‌کند ترجمه نامیده شده است. کتب رجال را از همین رو ترجمه نامیده‌اند که روشنگر احوال و آثار بزرگان و نام‌آوران عالم است.

### ۲-۳. ترجمه در اصطلاحی

تبلیغ و رساندن کلام به کسی که آن را نشنیده است. این معنای ترجمه بیشتر در تبلیغ احکام الهی و بیان الفاظ آسمانی به کار می‌رود. در تصوف ترکی به کسی که طریقه صوفیه را به مبتدی القا می‌کند ترجمان می‌گویند. تفسیر و شرح سخن به همان زبان اصلی چنان‌که ابن عباس از ترجمان القرآن نامیده‌اند. طبری هم ترجمه را به معنای بیان، تفسیر و شرح می‌داند. ترجمه یعنی، تفسیر سخن به زبان دیگری، گرداندن از زبانی به زبان دیگر که مشهورترین معنای این کلمه است (رامیار، ۱۳۶۹). این چهار معنا که زرقانی در مناهل العرفان نیز آورده است تمام معانی اصطلاحی ترجمه را دربرنمی‌گیرد؛ زیرا ترجمه در اصطلاح مورخان و محدثان به سیره و اخلاق و نسبت اشخاص اطلاق می‌شود. چنان‌که کتاب تراجم کتابی است که در زمینه احوال سیره شخصیت‌ها نوشته می‌شود و به مقدمه کتاب که دیباچه از کتاب است ترجمه الکتاب می‌گویند (نجار، ۱۳۸۱).

ازبین این معانی آنچه امروزه متداول و مدنظر است همان معنای چهارم یعنی، گرداندن از زبانی به زبان دیگر است. برای همین معنا تعاریف مختلفی ارائه شده است که به برخی از آنها در ذیل اشاره می‌شود؛ یکی از متخصصان علم ترجمه به نام c.rabin ترجمه مصطلح را چنین

تعریف کرده است: «ترجمه را می‌توان انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر دانست». دیگری در این باره می‌نویسد: «ترجمه عبارت است از کارهایی که انتقال پیامی را از زبانی به زبان دیگر امکان‌پذیر می‌سازد» (حجت، ۱۳۷۹). متخصص دیگری به نام یوجین نایدا سرپرست مؤسسه ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های مختلف دنیا می‌نویسد: «ترجمه عبارت است از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک» (صفارزاده، ۱۳۶۹). اختلاف میان تعریف اخیر و دو تعریف قبل این است که دو تعریف نخست، ترجمه را به معنای مصدري ترجمه کردن تعریف کرده‌اند و عمل ترجمه را تعریف کرده‌اند، اما تعریف یوجین نایدا ترجمه را نه به معنای مصدري، بلکه به معنای واژه یا متن ترجمه شده آورده است، همان‌گونه که در فارسی نیز ترجمه به همین دو معنا کاربرد دارد. برای مثال عبارت «او در ترجمه متون ادبی مردی موفق است». این کلمه ترجمه واژه‌ای عبری است؛ یعنی هم به نفس این عمل و هم به حاصل عمل لفظ ترجمه اطلاق می‌شود (حجت، ۱۳۷۹). عنصر مشترک در تمام تعاریف، تعدد و گوناگونی زبان‌هاست. صاحب قاموس این عنصر را شرط ترجمه می‌داند (معرفت، ۱۳۸۱) و دیگری انتقال پیام و معناست از زبان مبدأ به زبان مقصد. ترجمه قرآن به این معانی شامل برخی از ترجمه‌های تحت‌اللفظی از قرآن است که تنها به ترجمه واژگان اکتفا کرده و توجهی به انتقال مفاهیم نداشته‌اند، هرچند به تسامح آنها را ترجمه می‌نامند.

#### ۴. ابزار ترجمه

دانش زبان مبدأ و مقصد و شناخت ویژگی‌های هر دو زبان ابزار ترجمه یک اثر به زبانی دیگر است. در مورد ترجمه قرآن به زبان فارسی، دانش ادب عرب، شناخت معانی واژه‌ها و قواعد زبان فارسی ابزار ترجمه قرآن است. منظور از دانش ادب عرب یکی، شناخت معنا و مفهوم واژه‌های زبان عرب (لغت‌شناسی)؛ شناخت هیئت کلمه (علم صرف)؛ شناخت جایگاه کلمه در جمله و جمله در کلام (علم نحو)؛ شناخت ارائه یک معنا در قالب‌های مختلف (علم معانی و بیان) و شناخت قرائن درونی کلام است. عناصر یادشده نقش اساسی در ترجمه قرآن برعهده دارند

اگرچه در این میان نقش علم معانی و بیان نسبت به دیگر قسم‌هایش کمتر است، ولی در تفسیر قرآن و یافتن نکته‌های تفسیری و اثبات اعجاز بیانی قرآن نقش اول را ایفا می‌کند.

### ۵. بررسی برخی نابسامانی‌های ترجمه‌های قرآن

#### ۵-۱. استعمال واژگان و تعابیر نامأنوس

بزرگ‌ترین هنر هر مترجم آن است که بتواند در ترجمه و برگردان از زبان اصلی به زبان فارسی با وجود حفظ امانت، نثر روان و همه‌فهمی ارائه دهد و تا حد ممکن از واژه‌های خشک و ادبیاتی محض یا غریب دوری کند. از روش‌ها مورد توجه برای نقد در ترجمه قرآن فولادوند ترجمه نادرست و ناپذیرفتنی برخی واژه‌ها در آیات است. «وَقَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ گفتند: افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته و صبح و شام بر او املا می‌شود» (فرقان: ۵). عبارت «تملی علیه» در اینجا «املا می‌شود» برگردان شده که مناسب نیست و باید «خوانده می‌شود» معنی شود. استاد خرمشاهی در ذیل این آیه می‌نویسد: «معنای "تملی علیه" هم ظاهراً این است که بر او املا می‌کردند که بنویسد، اما میبیدی و امام فخر رازی هوشمندانه برآند که در اینجا املا به معنای معهود مراد نیست، بلکه این است که نوشته‌ها را با تانی و تکرار برای او می‌خواندند که به تلقین و تکرار فراگیرد. در تأیید سخن خرمشاهی می‌توان اشاره کرد که در مجاز القرآن نیز ذیل این آیه آمده است: «تملی علیه ای تقرأ علیه». «اسلُكٌ يَدُكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ؛ دست خود را به گریبان‌ت ببر» (قصص: ۳۲). فعل امر «اسلک» به اشتباه «ببر» معنی شده است، در صورتی که معنای صحیح آن در اینجا فروبر و داخل کن است. بهترین شاهد برای اثبات این گفته آیه ۱۲ سوره نمل است: «و ادخل يدك في جيبك؛ و دستت را در گریبان‌ت کن».

#### ۵-۱-۱. آسیب‌های ویرایشی

لغزش‌های ویرایشی گاهی موجب دشواری درک متن ترجمه می‌شود و گاهی معنای آن را غلط می‌کند. «نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ» (نحل: ۶۶). فولادوند: «از آنچه در [لابه‌لای] شکم آنهاست».





«يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ» (نحل: ۶۹). فولادوند: «[آن‌گاه] از درون [شکم] آن، شهدی که». در این ترجمه در مورد واژه بطون از گروهه به دوصورت مختلف استفاده شده است. یک جا شکم داخل گروهه و یک جا خارج گروهه قرار گرفته است دو معنا را برای یک واژه نشان می‌دهد. مثال دیگر: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ» (آل عمران: ۷۵). حلبی: «این [بدان سبب] است که ایشان گفتند: بر ما گناهی نیست [در ادا نکردن مال] غیر اهل کتاب و یا [اعراب بی کتاب]». در این ترجمه معادل باء که سببیت بوده بدون دلیل داخل گروهه رفته و نیز معادل فی در گروهه قرار گرفته و واژه‌های «و یا» به متن اضافه شده درحالی‌که در آیه نیست. مثال دیگر: «فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (بقره: ۱۰). فولادوند: «در دل هایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود». در این آیه عبارت «فزادهم» با «فاء» آمده که ارتباط کامل جمله بعد و قبل را نشان می‌دهد، ولی این ارتباط با کاما ویرگول قطع شده است، ولی عبارت دل هایشان که سه کلمه است به یکدیگر وصل شده است.

#### ۵-۱-۲. عدم هماهنگی درونی در ترجمه

یکسان‌سازی معانی جمله‌ها و آیات مشابه در ترجمه کار دشواری است. از این رو، برخی مترجمان از آن صرف نظر می‌کنند و ترجمه آنها گرفتار عدم هماهنگی درونی می‌شود. برای مثال: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحَافِظُونَ؛ و کسانی که [وقت] نمازهای خویش را نگهداری کنند» (مؤمنون: ۹). در ترجمه ابوالقاسم پاینده (چاپ پنجم ۱۳۵۷) دوگونه ترجمه شده است: «و کسانی که مواظب نمازشان باشند» (معارج: ۳۴). مثال دیگر: «بِمَا قَدَّمْتُمْ لِأَيْدِيهِمْ» (بقره: ۹۵). در ترجمه مجتبوی (چاپ اول ۱۳۷۱) دوگونه ترجمه شده است: «به سبب آنچه کردند». «به سبب آنچه دست‌هاشان پیش فرستاده است» (جمعه: ۷). مثال دیگر: «فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ». در ترجمه فولادوند (چاپ اول، ۱۳۷۳) سه‌گونه ترجمه شده است: «پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت» (آل عمران: ۱۱). «پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد» (انفال: ۵۲). «خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفت» (غافر: ۲۱). مثال دیگر: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ» (مؤمنون: ۵). در ترجمه خرمشاهی (چاپ اول ۱۳۷۴) دوگونه

ترجمه شده است: «و کسانی که پاکدامنی می‌ورزند»؛ «و کسانی که ناموسشان را حفظ می‌کنند» (معارف: ۲۹).

#### ۳-۱-۵. حذف و اضافه نابه‌جا در ترجمه آیات

گاهی حذف و اضافه‌ها هیچ توجیه قابل قبولی ندارد. مثال: «لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ». (نحل: ۲۳). فولادوند: «شک نیست که خداوند آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند و او گردن‌کشان را دوست نمی‌دارد». در این ترجمه عبارت «انّ» معنا شده است و به جای آن واژه «و» اضافه شده است بدون آنکه داخل پرانتز یا گروه برود. درحالی‌که بهتر بود از واژه «درحقیقت» و مانند آن معادل «انّ» استفاده می‌شد. مثال دیگر: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا». مکارم: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید» (نساء: ۹۷). در این ترجمه تعبیر «فیها» ترجمه نشده است. مثال دیگر: «و لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيَبْتَئِنَّا أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيَعْيِرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ». مکارم: «و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند» (نساء: ۱۱۹). در این ترجمه نیز جمله: «لَأْمُرَنَّهُمْ» دوم ترجمه نشده است، البته گاهی این‌گونه حذف‌ها توجیه می‌شود که با توجه به قرینه ماقبل و برای جلوگیری از تکرار حذف شده است، ولی به نظر می‌رسد که این توجیه برای حذف یک جمله قرآن در ترجمه کافی نیست.

#### ۴-۱-۵. اشکالات ساختاری (صرفی، نحوی و دستوری)

از مهمترین شرایط و اصولی که یک مترجم در ترجمه قرآن باید مورد توجه قرار دهد آگاهی لازم و کافی وی به اسلوب و ویژگی‌های زبان متن است که شامل: معنی، شکل، صیغه اسماء، افعال و حروف با حفظ نقش آنهاست. این بدان دلیل است که معنی و مقصود وحی الهی را بدون ابهام و اشکال منتقل کند و عدم شناخت یا عدم توجه به نظام ساختاری و دستور زبان، زبان مبدأ و مقصد برای مثال نحو و صرف یا دستور زبان فارسی موجب می‌شود که ترجمه گرفتار لغزش‌های متعدد شود مانند: «وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ» (بقره: ۱۴۳). آیتی: «هرچند که این امر جز بر هدایت‌یافتگان دشوار می‌نمود». امامی - الهی قمشه‌ای: «هرچند



که این کار جز...». در این آیه، واژه «ان» مخففه از مثقله (ان) است؛ زیرا «لام» در «لکبیره» مفتوح است. برای معنای آن «حتماً و مسلماً» و مانند آنها مناسب است، پس «ان» وصلیه یا شرطیه نیست تا معنای آن «هرچند» باشد. مثال دیگر: «وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ» (بقره: ۱۱۹). خرمشاهی: «و با تو درباره دوزخیان چون و چرا نکنند». فعل «تسأل» مجهول است، اما در ترجمه اول، جمله معلوم معنا شده است و بهتر بود این گونه ترجمه می شد: «و درباره اهل دوزخ از تو پرسشی نخواهد شد».

مثال دیگر: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». الهی قمشه‌ای: «و از آب هرچیز را زنده گردانیدیم» (انبیاء: ۳۰). فعل «جعل» گاهی دو مفعولی به معنای «گردانیدن» است و گاهی یک مفعولی و به معنای «آفریدن و پدید آوردن» است که در جمله فوق، یک مفعولی است؛ زیرا «حیا» نیامده است. درحالی که مترجم گمان کرده که دو مفعولی است. بنابراین، ترجمه صحیح آیه این گونه می شود: «و هرچیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم».

## ۶. اشکالات ادبی و بلاغی در ترجمه قرآن

در بررسی این ناپسامانی از ترجمه این پرسش مطرح می شود که آیا آرایه‌های ادبی و بلاغی قرآن قابل ترجمه به زبان‌های دیگر است یا خیر. در پاسخ این سؤال می توان گفت که آرایه‌های ادبی دوگونه هستند: آرایه‌های لفظی و معنوی. شك نیست که آرایه لفظی مانند تجنیس، قلب، لزوم مالایزم، ترصیع و تسجیع و مانند اینها به هیچ وجه قابل ترجمه به زبان‌های دیگر نیست و نمی توان آنها را به زبان دوم انتقال داد، البته این کار مخصوص قرآن هم نیست و در هر زبانی که این صنایع به کار برده شود بیشتر اوقات قابل ترجمه به زبان دیگر نخواهد بود، اما آرایه معنوی مانند التفات و لف ونشر و مانند اینها قابل ترجمه هستند و مترجم باید در ترجمه خود، آن را رعایت کند. متأسفانه گاهی برخی از مترجمان این نکته را رعایت نمی کنند و ترجمه‌ای ناستوار و حتی غلط ارائه می دهند. نمونه آن ترجمه این آیه شریفه است: «هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ» (یونس: ۲۲). در این آیه، صنعت التفات به کار رفته و دو جمله اول آیه به صورت

خطاب است، ولی جمله‌های بعدی از «جرین بهم» به بعد به صورت غایب است و این التفات از خطاب به غیبت است، ولی مرحوم الهی قمشه‌ای آیه را این گونه ترجمه کرده است: «اوست که شما را در پروبهر سیر می دهد تا آن گاه که در کشتی نشینید و باد ملایمی کشتی را به حرکت آرد و شما شادمان و خوش وقت باشید که ناگاه باد تندی بوزد». بدین گونه مترجم همه جملات را به صورت خطاب درمی آورد و کلمه «فرحوا» را که جمع مذکر غایب است به صورت «شما شادمان و خوش وقت باشید» ترجمه می کند. باید از این کار پرهیز شود.

مثال دیگر: یکی از آرایه‌های معنوی تمثیل است که در کتب ادبی آن را آورده اند. ابن ابی الاصبغ در تعریف آن می گوید: «تمثیل آن است که متکلم معنایی را قصد کند و از آن نه به لفظ خاص آن تعبیر کند و نه با لفظ اشاره و یا با لفظ مترادف، بلکه به لفظی بیان کند که از لفظ مترادف دورتر است»، سپس برای تمثیل، آیه «وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ» (هود: ۴۴) را مثال می زند و اضافه می کند که حقیقت معنی این است که کشتی در آن مکان نشست، ولی از لفظ اصلی به تمثیل عدول کرده است؛ زیرا «استواء» متضمن معنای جلوس مستقری است که هیچ انحراف و اعوجاج و هیچ حرکت و اضطرابی ندارد و پس از این جلوس است که به سبب قرار گرفتن کشتی، دل های ساکنان آن آرام می گیرد و با جلوس موصوف به استواست که تمام آرامش خاطر حاصل می شود (میرلوحی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹).

حال با توجه به آنچه از ابن الاصبغ نقل شد برخی از ترجمه ها بررسی می شود. بعضی از مترجمان به این نکته توجه نکرده و «استوت» را به معنای «قرار گرفت» ترجمه کرده اند مانند ترجمه فولادوند که چنین است: «و [کشتی] بر جودی قرار گرفت». این ترجمه برای لفظ «استقرت» مناسب است نه «استوت» که در قرآن آمده است. آقای پاینده نیز این نکته را رعایت نکرده و چنین ترجمه کرده است: «و کشتی به جودی نشست». کلمه «نشست» معادل «جلست» است نه «استوت»، هر چند ترجمه «استوت» به «قرار گرفت» از ترجمه آن به «نشست» به صواب نزدیک تر است، البته این ترجمه ها غلط نیستند، ولی بهتر بود لفظی انتخاب می شد که به آن نکته اشاره می کرد مانند ترجمه آقای مجتبوی که چنین است: «و [کشتی] بر [کوه] جودی

آرام گرفت». مثال دیگر: یکی از آرایه‌های ادبی و محسنات کلامی تأکید است که گوینده برای تأکید مطلب و پافشاری بر درستی سخن از ادات تأکید استفاده می‌کند و در کلام عربی این موضوع بسیار شایع است و وسایل گوناگونی برای تأکید وجود دارد. در قرآن نیز گاهی يك يا چند ادات تأکید در يك جمله آمده است که باید در ترجمه مورد توجه قرار گیرد و تأکید مطلب به زبان دوم منتقل شود. این موارد یکی از لغزش‌گاه‌های مترجمان است که جمله را بی‌توجه به ادات تأکید ترجمه می‌کنند.

#### ۷. تأثیر پیش‌فرض‌های مترجم بر ترجمه قرآن

یکی از مهمترین عوامل در ترجمه، نگرش‌ها و پیش‌فرض‌های مترجم است. این پیش‌فرض‌ها عبارتند از: پیش‌فرض کلامی، علمی، فقهی، فلسفی، عرفانی و... برای مثال تأثیر پیش‌فرض علمی بر ترجمه: «تأثیر پیش‌فرض علمی در ترجمه قطعاً ارتباط نزدیکی با تأثیرپذیری مترجم از تفسیر علمی دارد؛ زیرا ترجمه قرآن منفک از تفسیر آن نیست و در واقع ترجمه قرآن خلاصه‌ای از تفسیر آن است. بنابراین، عدم توجه به تفسیر سبب می‌شود که مترجم راه خطا برود و برخی مطالب و اهداف قرآن را به خوبی به زبان مقصد منتقل نکند. از سوی دیگر، مترجم باید آیه‌ای که چند تفسیر مختلف دارد و هیچ‌کدام از آنها قطعی نیست را به گونه‌ای ترجمه کند که با همه دیدگاه‌های تفسیری سازگار باشد و برخی دیدگاه‌ها را نفی نکند و یا تهافتی میان تفسیر مورد قبول او با ترجمه پیش‌نیاید. هنگامی که به برخی ترجمه‌ها نظر می‌شود این‌گونه اشکالات در ترجمه‌ها فراوان دیده می‌شود.

#### ۸. خلقت انسان از منی

- در ترجمه آقای فولادوند آیه ۳۷ سوره قیامت: «أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّمَنْی» چنین ترجمه شده است: «مگر او [قبلاً] نطفه‌ای نبود که [در رحم] ریخته می‌شود؟»؛  
- در ترجمه فیض الاسلام (و دلیل دیگر آنکه می‌فرماید: «آیا آدمی قطره و چکه آبی از منی و آب مرد نبوده که (از راه بول مرد در رحم و زهدان زن) ریخته می‌شد؟»؛

-در ترجمه مجتبوی: «آیا او نطفه‌ای از منی که [در رحم] ریخته می‌شد، نبود؟»؛  
 -در ترجمه طاهری: «مگر [تمامی وجودش] تنها يك قطره آب نبود که [در رحم] ریخته شد». همین ترجمه توسط بسیاری از مترجمان قرآن مانند سراج، خسروی، خواجه‌ی، الهی قمشه‌ای، انصاریان، برزوی، بروجردی، پورجوادی و شعرانی آمده است. همچنین در تفاسیری مانند تفسیر روشن (۲۰۴/۱۶) روان جاوید (۳۱۴/۵) ترجمه بیان السعاده (۳۷۹/۱۴) و در تفسیر نمونه نیز مشابه همین مطلب آمده است: «آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید، آگاهید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۲۱/۲۵).

در این ترجمه و تفسیر تصریح شده است که نطفه مرد در رحم زن ریخته می‌شود، درحالی‌که این مطلب از نظر علم پزشکی خطاست. در تفسیر نمونه در بحثی بانام تطورات جنین یا رستاخیزهای مکرر آمده است: «نطفه در اصل به معنی آب کم یا آب صاف است»، سپس به قطرات آبی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۲۱/۲۵) که از راه لقاح سبب پیدایش انسان یا حیوانی می‌شود، گفته شده است. تحول نطفه در دوران جنینی از عجیب‌ترین پدیده‌های جهان هستی است که موضوع علم جنین‌شناسی است و در قرون اخیر تا حد زیادی پرده از روی اسرار آن برداشته شده است. قرآن در آن روز که هنوز این مسائل کشف نشده بود به طور مکرر در قالب یکی از نشانه‌های قدرت خداوند روی آن تکیه کرده و این خود از نشانه‌های عظمت این کتاب بزرگ آسمانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۲۲/۲۵). اگرچه در این آیات تنها بعضی از مراحل جنینی ذکر شده است، ولی در آیات دیگر قرآن مانند آیه ۵ سوره حج و آیات ۱۲ الی ۱۵ سوره مؤمنون مراحل بیشتری بیان شده است. همه این آیات از چگونگی خلقت انسان و مراحل تشکیل نطفه بحث می‌کنند که همراه با آیات ۵۸ سوره واقعه و ۴۶ سوره نجم آیات متحدالموضوع با این آیه در نظر گرفته می‌شود. اکنون باید دید که مترجمان و مفسران چگونه به آیات نگریسته‌اند. در تفسیر نمونه نیز ذیل آیه ۵۸ سوره واقعه مشابه همین مطالب علمی آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴۰/۲۳-۲۴۲) عبدالرزاق نوفل نیز با ذکر آیات ۵-۶ سوره طارق، مشابه همین مطالب علمی را در مورد منی و اسپرم ذکر کرده است (نوفل، ۱۴۰۶، ص ۱۱۴)

در تفسیر نمونه در تفسیر آیه ۵۸ سوره واقعه: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ» آمده است: «آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید، آگاهید». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳/۲۴۰) در تفسیر آیه ۴۶ سوره نجم: «مَنْ نُطْفِئِهِ إِذَا تُمِنَى» آمده است: «از نطفه‌ای که خارج می‌شود و در قرارگاه رحم می‌ریزد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲/۵۵۹). در ترجمه آقای فولادوند در ترجمه آیه ۳۷ سوره قیامت: «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِي يَمْنَى» آمده است: «مگر او [قبلاً] نطفه‌ای نبود که [در رحم] ریخته می‌شود». نکته قابل توجه در این تفسیر و ترجمه آن است که در هر سه مورد بر این مطلب تأکید شده است که منی یا نطفه مرد در رحم زن ریخته می‌شود درحالی‌که: اول، منی مرد در مجرای تناسلی زن ریخته می‌شود (چنان‌که در مبحث علمی آمده است: (ر.ک.، لانگمن، ۲۰۱۹، ۳۰-۲۹)؛ دوم، در آیات فوق، مکان ریختن منی مشخص نشده و به صورت مطلق بیان شده است. شاید آنچه موجب این ترجمه و تفسیر شده است این باشد که منی مرد درحال آمیزش با زنان خارج می‌شود و پس از قرار گرفتن در مجرای تناسلی، اسپرم‌ها با تلاش فراوان و با کمک مایعی که از دهانه رحم ترشح می‌شود از لوله رحم عبور می‌کنند تا به تخمک برسند و پس از لقاح، برای لانه‌گزینی به طرف دیواره رحم بروند درحالی‌که اینها به معنای ریخته شدن منی مرد داخل رحم زن نیست. علاوه بر اینکه همیشه منی مرد داخل مجرای زنان ریخته نمی‌شود، پس ترجمه و تفسیر فوق صحیح به نظر نمی‌رسد.

نمونه دوم تأثیر پیش فرض کلامی در ترجمه قرآن است که باعث نابسامانی ترجمه می‌شود مانند ترجمه آیه سوم از سوره مائده: «الْيَوْمَ بَيَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». در ترجمه این آیه مترجمانی مانند آیتی این آیه را بدون هیچ پیش فرضی ترجمه کرده‌اند: «امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده‌اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم». ترجمه قرشی در تفسیر احسن الحدیث نیز این‌گونه بوده است: «امروز کفار از دینتان نومید شدند از آنها مترسید از من بترسید، امروز دینتان را کامل کردم، نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما

باشد». الهی قمشه‌ای در ترجمه، این پیش‌فرض را وارده کرده است و ترجمه ایشان گواه بر این مطلب است: «امروز کافران از اینکه به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند، طمع بریدند، پس شما از آنها بیمناک نگشته و از من بترسید. امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی علیه السلام است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است، برایتان برگزیدم».



### فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. اصفهانی، راغب (۱۳۷۲). مفردات الفاظ قرآن. مترجم: خسروی، غلامرضا. تهران: انتشارات مرتضوی.
۳. ایازی، سیدیاسر (۱۳۸۰). اهتمام ایرانیان به قرآن. قم: کتاب مبین.
۴. آذرتاش، آذرنوش (۱۳۷۵). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی. تهران: سروش.
۵. بی‌آزارشیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۷). قرآن ناطق. تهران: نشر فرهنگ اسلام.
۶. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید. تهران: انتشارات برهان.
۷. حجت، هادی (۱۳۷۸). تاریخچه نقد ترجمه‌های فارسی قرآن. ترجمان وحی شماره ۶. قم: سازمان اوقاف و امور خیریه.
۸. حجت، هادی (۱۳۷۹). طبقه‌بندی نقدهای نوشته شده بر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم. ترجمان وحی شماره ۸. قم: سازمان اوقاف و امور خیریه.
۹. حجت، هادی (۱۳۷۹). عبار نقد بر ترجمان وحی. تهران: فرهنگ گستر.
۱۰. رامیار، محمود (۱۳۶۹). تاریخ قرآن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. ریاضی، حشمت‌الله رضا (۱۳۷۲). ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده‌خانه. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۱۲. صفارزاده، طاهره (۱۳۶۹). اصول مبانی ترجمه. تهران: پارس کتاب.
۱۳. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. نجار، علی (۱۳۸۱). اصول و مبانی ترجمه قرآن. قم: کتاب مبین.
۱۶. نوفل، عبدالرزاق (۱۴۰۶). القرآن والعلم الحديث. لبنان: دار الکتب العربی.